



چالش‌های حقوق بشری و امنیتی در مواجهه با جرایم ریزومیک با تاکید بر نسل Z و آلفا

محمدروحانی مقدم، سیدعلی اکبر سیادت، زهرا غلامرضایی^۳

چکیده

تحولات فناوری در عصر دیجیتال، ظهور جرایم ریزومیک را به همراه داشته است که از نظریه ریزوم دلوژ و گاتاری الهام گرفته‌اند. این جرایم با ویژگی‌هایی مانند عدم تمرکز، انعطاف‌پذیری، مقاومت در برابر کنترل، و اتصال چندگانه، چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای نظام‌های حقوقی و امنیتی ایجاد کرده‌اند. نسل‌های Z و آلفا، به دلیل سواد فناوری بالا و استفاده از ابزارهای غیرمتمرکز، نقش کلیدی در شکل‌گیری یا قربانی شدن این جرایم ایفا می‌کنند. مصادیق این جرایم شامل کلاهبرداری‌های رمزآزایی، آزار و اذیت سایبری، و جرایم مالی در متاورس است؛ لیکن مهمترین جرمی که در حال حاضر نظم حاکمیت و بعضاً نظم جهانی را از این ناحیه تهدید می‌کند، جرایم علیه امنیت داخلی و حقوق بشر می‌باشد. این پژوهش با روش کیفی و با استفاده از چارچوب نظریه ریزوم، به بررسی سازوکار جرایم ریزومیک و نقش نسل‌های جدید می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی موجود، به دلیل طراحی برای جرایم سنتی، در مقابله با جرایم غیرمتمرکز ناکارآمد هستند. راهکارهای پیشنهادی شامل توسعه قوانین بین‌المللی، آموزش سواد حقوقی دیجیتال، استفاده از هوش مصنوعی برای ردیابی الگوهای مجرمانه، و تقویت همکاری بین‌بخشی است. همچنین، بازنگری در سیاست‌های کیفی و پیشگیرانه برای انطباق با ویژگی‌های جرایم ریزومیک ضروری است. این پژوهش با ارائه راهکارهای عملی، به غنای ادبیات جرم‌شناسی سایبری و نظریه ریزوم می‌افزاید و زمینه را برای سیاست‌گذاری‌های مؤثر در کنترل جرایم غیرمتمرکز فراهم می‌کند. درک تعامل بین نسل‌های جدید، ساختارهای ریزومیک، و نظام‌های حقوقی، برای تضمین امنیت و عدالت در فضای دیجیتال حیاتی است.

کلیدواژه‌ها:

جرایم ریزومیک، نسل Z و آلفا، نظریه ریزوم، امنیت سایبری، حقوق دیجیتال، حقوق بشر.

۳۷

دوره ۱۴، شماره ۲، بهار ۳۷
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۱-۳۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴-۵-۳۱

صص: ۱۶-۱

شابا چاپی: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRJ.IR

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول) rohani113r@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، رشته حقوق جزا و کیفرشناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسأله

در عصر دیجیتال، تحولات فناوری و ظهور پلتفرم‌های غیرمتمرکز، اشکال جدیدی از جرایم را پدید آورده است که از ساختارهای سنتی سلسله‌مراتبی فاصله گرفته و به سوی الگوهای شبکه‌ای و غیرمتمرکز حرکت کرده‌اند. این جرایم که تحت عنوان "جرایم ریزومیک" شناخته می‌شوند، از نظریه ریزوم دلوژ و فلیکس گاتاری الهام گرفته‌اند و ویژگی‌هایی همچون عدم تمرکز، انعطاف‌پذیری، مقاومت در برابر کنترل، و اتصال چندگانه را نمایش می‌دهند. این ساختارهای پیچیده، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای نظام‌های حقوقی و امنیتی به وجود آورده‌اند، به‌ویژه زمانی که نسل‌های Z و آلفا به عنوان بازیگران اصلی یا قربانیان این جرایم وارد صحنه می‌شوند.

نسل Z (متولدین ۱۹۹۷-۲۰۱۲) و نسل آلفا (متولدین پس از ۲۰۱۳) به دلیل رشد در محیط دیجیتال، از سواد فناوری بالا و توانایی استفاده از ابزارهای غیرمتمرکز برخوردارند. این نسل‌ها به راحتی می‌توانند در شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های رمزارزی، و فضای متاورس حرکت کنند، اما همین ویژگی‌ها آن‌ها را در معرض خطر مشارکت در جرایم ریزومیک یا قربانی شدن توسط آن‌ها قرار می‌دهد. از جمله این جرایم می‌توان به جرایم بین‌المللی ضد حقوق بشری، کلاهبرداری‌های رمزارزی، و جرایم مالی در متاورس اشاره کرد که شناسایی و مقابله با آن‌ها به دلیل ساختار پراکنده و فاقد رهبری متمرکز، دشوار است.

اهمیت این پژوهش در چند جنبه نمایان می‌شود: نخست، درک سازوکارهای جرایم ریزومیک و نقش نسل‌های جدید در شکل‌گیری یا گسترش آن‌ها ضروری است. دوم، نظام‌های حقوقی و امنیتی موجود عمدتاً برای مقابله با جرایم سنتی طراحی شده‌اند و در مواجهه با جرایم غیرمتمرکز کارایی کمتری دارند. سوم، رفتارهای دیجیتالی نسل Z و آلفا، از جمله استفاده از فناوری‌های رمزنگاری شده و پلتفرم‌های ناشناس، نیاز به بازنگری در سیاست‌های کنترل و نظارت دارد.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. چگونه ویژگی‌های ریزومیک در جرایم مدرن بازتاب می‌یابند و چه تفاوتی با جرایم سنتی دارند؟

۲. نسل Z و آلفا چه نقشی در شکل‌گیری یا گسترش جرایم ریزومیک ایفا می‌کنند؟

۳. چه راهکارهای حقوقی و امنیتی می‌تواند برای مقابله با این جرایم طراحی و اجرا شود؟

برای پاسخ به این سوالات، پژوهش حاضر از چارچوب نظریه ریزوم دلوژ و گاتاری بهره می‌برد و با روش‌های کیفی (مطالعه موردی و مصاحبه با متخصصان)، به بررسی مصادیق عینی جرایم ریزومیک و نقش نسل‌های جدید می‌پردازد. همچنین، راهکارهای پیشنهادی شامل توسعه قوانین بین‌المللی، آموزش سواد حقوقی دیجیتال، و استفاده از هوش مصنوعی برای ردیابی الگوهای ریزومیک مورد بحث قرار می‌گیرد.

این پژوهش نه تنها به غنای ادبیات موجود در حوزه جرم‌شناسی سایبری و نظریه ریزوم می‌افزاید، بلکه با ارائه راهکارهای عملی، زمینه را برای سیاست‌گذاری‌های مؤثر در کنترل جرایم غیرمتمرکز فراهم می‌کند. در جهانی که فناوری به سرعت در حال



پیشرفت است، درک تعامل بین نسل‌های جدید، ساختارهای ریزومیک، و نظام‌های حقوقی، امری حیاتی برای تضمین امنیت و عدالت در فضای دیجیتال محسوب می‌شود.

پیشینه پژوهش:

جرایم ریزومیک، به دلیل بدیع بودن موضوع، سابقه چندانی در ادبیات پژوهش‌های حقوقی ایران ندارد و به همین دلیل در منابع فارسی و چه بسا لاتین نیز منابع علمی چندانی در این باره وجود ندارد. لذا این پژوهش با بهره‌گیری از منابع اندک تلاش داشته تا این مفهوم را وارد عرصه حقوق کیفری نموده و راهگشای پژوهش‌های آتی برای پرورش این موضوع در کنار مطالعات علوم اجتماعی و روانشناسانه باشد. بر این اساس، دارابی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «ریزومیک شدن پیشگیری از جرم در پرتو ریزومیک شدن ارتکاب جرم» پس از تشریح مفهوم جرایم ریزومیک، به راهکاری پیشگیری از این جرایم اشاره نموده و در نتیجه آن، به لزوم تحول قوانین اشاره نموده است. این پژوهش نشان می‌دهد که جرم در جوامع مدرن ماهیتی سیال، پراکنده و غیرمتمرکز یافته و دیگر در چارچوب‌های سنتی مکانی و طبقاتی قابل تبیین نیست. نتایج تحقیق بیانگر آن است که با گسترش فناوری و فضای مجازی، بزهکاری از محدوده‌های جغرافیایی عبور کرده و به صورت شبکه‌ای و ریزوم گونه در سطوح مختلف جامعه گسترش می‌یابد. همچنین، جرم امروز به جای تمرکز در نقاط خاص، در تمامی فضاهای واقعی و مجازی نفوذ کرده و مرز میان رفتار مجرمانه و عادی را بیش از پیش مبهم ساخته است.

نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی (۱۳۹۱) در رابطه با کانون‌های جرم‌خیز و نقش نظم اجتماعی محلات در میزان ارتکاب جرم، در واقع به یک مفهوم عینی از مکان ارتکاب جرم پرداخته‌اند و تاثیر مولفه «نظم اجتماعی» را مورد بحث قرار داده‌اند که در این مفهوم هرچه یک محله (در مفهوم مکان ارتکاب بزه و جرم) دارای از هم گسیختگی باشد، میزان ارتکاب جرم بیشتر خواهد شد. در نتیجه‌ی این مفاهیم، قطعاً لامکانی در جرائم، عدم امکان تعریف کانون جرم‌خیز و مقید نبودن جرائم به یک مکان مشخص، می‌تواند علاوه بر افزایش بزه، در پیشگیری با جرائم نیز تاثیر داشته باشد.

۱. مفهوم ریزوم و نقش آن در تنظیم روابط اجتماعی

ریزوم یا زمین ساقه به معنای توده ریشه (Oxford 2019) به ساقه زیرزمینی بعضی از گیاهان گفته می‌شود که معمولاً به وضع افقی قرار گرفته و بخشی از آن در زیر زمین و بخشی دیگر خارج از خاک قرار دارند. ریزوم دارای ساقه‌های خزننده افقی بوده و اگر بخشی از ریزوم را قطع کنیم یا به قطعات کوچک‌تر تقسیم کنیم، این گیاه از بین نمی‌رود، بلکه از همان جا در زیر خاک گسترش یافته و جوانه‌های تازه ایجاد می‌کند. (صالحی و اکبری، ۱۳۹۸: ۸۷) بنابراین، هر قطعه از ریزوم خود قادر به تکثیر و تولید یک گیاه جدید است. ریزوم بر خلاف ریشه‌های اصلی در جهات گوناگون رشد کرده و هر نقطه از آن می‌تواند به نقاط دیگر متصل شده و امکان ایجاد شبکه‌ای بی پایان از ارتباط‌های ممکن را فراهم کند.



نظریه‌ی ریزوم^۱ یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی ژیل دلوز^۲ و فلیکس گاتاری^۳ است که در کتاب "هزار فلات: سرمایه‌داری و اسکیزوفرنی"^۴ مطرح شده است. این نظریه به‌عنوان یک الگوی غیر سلسله‌مراتبی، چندجهتی و غیرخطی برای درک ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، شناختی و زیستی ارائه شده است. مفهوم ریزوم در فلسفه‌ی دلوز و گاتاری عبارت است از یک ساختار گیاهی که برخلاف ریشه‌های درختی، فاقد مرکز ثابت است و به صورت افقی و شبکه‌ای رشد می‌کند. دلوز و گاتاری از این مفهوم برای نقد الگوهای سلسله‌مراتبی و دوگانه‌گرایانه (مانند ساختارهای درختی دکارتی یا فرویدی) استفاده می‌کنند (Deleuze & Guattari, 1987 : 7). ایده‌ی ریزوم غیرمتمرکز در مقابل مدل‌های متمرکز "درختی"^۵ قرار می‌گیرد که مبتنی بر سلسله‌مراتب، علت و معلول خطی و تقسیم‌بندی‌های ثابت هستند. رفتارهای ریزومیک نشان‌دهنده‌ی مقاومت در برابر ساختارهای سلطه‌گر و تلاش برای ایجاد اشکال جدید ارتباط و سازمان‌دهی هستند. در این نظریه، یکی از ویژگی‌های کلیدی ریزوم اتصال و ناهمگنی عنوان شده است؛ بدین معنی که هر نقطه‌ی ریزوم می‌تواند با هر نقطه‌ی دیگر مرتبط شود، حتی اگر به حوزه‌های متفاوتی تعلق داشته باشند. (Deleuze & Guattari, 1987 : 7). در این نوع رابطه دیگر تعریف روابط از بالا به پایین نبوده و هر عنصر از یک مجموعه روابط با عناصر دیگر در سایر بخش‌های ساختار مرتبط خواهند شد. در نتیجه برخلاف مدل‌های درختی که یک ریشه‌ی مرکزی دارند، ریزوم فاقد مرکز ثابت است و به صورت افقی و پراکنده گسترش می‌یابد. این همان ویژگی است که مبنای شبکه‌های اجتماعی در عصر فعلی قرار گرفته و در عرصه عینی نیز جنبش‌هایی متعدد را میتوان نمونه بارز این ویژگی دانست که فاقد رهبری متمرکز بودند و به صورت خودجوش و شبکه‌ای عمل کردند. در نتیجه یکی از اصول ریزوم، قابلیت اتصال نامحدود بین نقاط مختلف است. برخلاف ساختارهای درختی که روابط از پیش تعیین‌شده دارند، ریزوم می‌تواند هر نقطه خود را به هر نقطه دیگر متصل کند، حتی اگر به حوزه‌های کاملاً متفاوتی تعلق داشته باشند. (Deleuze & Guattari, 1987 : 7)

مقاومت در برابر کنترل به‌عنوان یک الگوی ضدسلسله‌مراتبی، یکی از ویژگی‌های روابط ریزومیک بوده که باعث میشود در برابر مکانیسم‌های کنترل و نظارت مقاومت نشان داده شود. دلوز و گاتاری معتقدند که نظام‌های سلطه (مانند دولت، سرمایه‌داری یا گفتمان‌های مسلط) سعی می‌کنند ریزوم‌ها را به درخت تبدیل کنند تا آن‌ها را قابل کنترل سازند، اما به واسطه خصوصیت مقاومت ریزوم در برابر شکست و بازیابی مجدد، فرار از کدگذاری ریزوم مرزهای ثابت را درهم می‌شکند و فضاهای جدیدی برای گریز از کنترل ایجاد می‌کند (Buchanan. 2021) از مصادیق این رفتار میتوان به رونق گرفتن موسیقیهای زیرزمینی و فیلمهای منتشر شده در قالب سینمای خانگی خارج از انحصار سینما و صداوسیما میباشد که بعضاً به صورت جنبش بروز نموده و این جنبش‌ها با رد ساختارهای رسمی، اشکال جدیدی از بیان مقاومتی را ایجاد کردند.

۱ Rhizome
۲ Gilles Deleuze
۳ Félix Guattari
۴ A Thousand Plateaus: Capitalism and Schizophrenia
۵ arborescent
۶ Reterritorialization



یکی دیگر از خصوصیات که برای رفتارهای ریزوم وار برشمرده شده، خصلت بس گانگی است. در این تعریف، «در یک ریزوم هیچ نقطه یا جایگاهی مانند آنچه که در یک ساختار، درخت یا ریشه یافت می شود، وجود ندارد. در ریزوم یکسره خطوط وجود دارد» (Deleuze & Guattari, 1987 : 8). بس گانگی اجازه تحمیل اصل وحدت بخش یا امر متعالی را نمی دهد. بس گانگی به واسطه اتصال به بیرون و ارتباط با دیگر بس گانه ها ایجاد می شود. با ایجاد خطوط گریز و قلمروزدایی هویت بس گانه ها دگرگون شده و این دگرگونی همواره و مستمر اتفاق افتاده و مانع از معین بخشی و اطلاق معانی ثابت به پدیده ها و امور می شود. مرزها محو شده و دیگر صحبت از پایان و مقصد نیست، بلکه همواره دگرگون شدن و قلمروزدایی و شکستن چارچوب هاست؛ نو شدن مداوم، پیش بینی ناپذیری و تغییر ظرفیت هاست؛ بس گانگی عرصه گریز از سیطره ثبات بخش، و انتظام گر است. (موحدیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۲۸)

در نگاه این نظریه، سلسله مراتب واژگون گردیده، به گونه ای که وحدت و هویت در تفکر گذشته جای خود را به کثرت، تنوع، و چندگانگی در تفکر ریزومی می دهد (سجادی و باقری نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۵). بنابراین دیگر حقیقت امری ثابت، منجمد، و خشک نیست، بلکه متضمن پویایی و حرکت است. در نهایت میتوان گفت، رفتارهای ریزومیک به شیوه هایی اشاره دارند که در آنها نظام های اجتماعی، فکری و زیستی خارج از چهارچوب های سلسله مراتبی عمل می کنند.

بنابراین رفتارهای منطبق بر ریزوم، دیگر اعتقادی به تبعیت از سلسله مراتب و رهبری واحد نداشته و چه بسا هر فرد در هر جایگاهی از یک شبکه رفتاری، خود را منشأ حرکت بیندارد. هر ارتباط اجزا و افراد با یکدیگر، منجر به ارتباط و حرکت بدیع خواهد شد و از آنجا که شکست روابط در این حرکت وجود ندارد، هرگونه مقابله با آن منجر به حرکت و رفتار جدید خواهد شد که چه بسا این حرکت مانند ریزوم در لایه های پنهان و دور از نگاه نظارت گران و نظم دهنده ها صورت گیرد. بنابراین رفتارهای ریزوم دارای خاصیت بی مکانی بوده و برای کنترل موفق این رفتارها، باید قید مکان و زمان را نادیده گرفت.

۲. تاثیر ریزومیک بر شکل گیری جرایم

با شکل گیری رفتارهای ریزومیک، جرم نیز به عنوان یک رفتار برخواسسته از اجتماع، متأثر از تحول رفتاری گردیده است. ریزومیک شدن معلول نهضت جهانی شدن فن آوری اطلاعات و ارتباطات است؛ و ریزومیک شدن جرم را می توان به معنای نامکانی شدن و زنجیره ای شدن جرایم در فضای جامعه دانست؛ بر این اساس جرایم دیگر مبتنی بر شیوه های سنتی نبوده و همانگونه که پیش از این گفته شد، تعیین مکان و بعضاً زمان ارتکاب جرم در این تحول بسیار دشوار خواهد بود. جرائم با وجود اینکه در عرصه زنجیره ای شکل خواهند گرفت، اما دشوار است آن را مبتنی بر یک رهبری و ایدئولوژی متمرکز و واحد دانست. در این عرصه تشکیل گروه های مجرمانه به دشواری اثبات می شوند و انتخاب سردسته و انتساب سردستگی به فرد مشخص دور از ذهن خواهد شد. چرا که هر فرد با انگیزه و تفکر درونی و بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی سایر هم قطاران خود یک رفتار مجرمانه را رقم خواهد زد و صرفاً از نظر تقارن اقدام ممکن است با افرادی دیگر همسو گردد.

از دیگر آثار ارتباطات ریزومیکی بر شکل‌گیری جرم، باید به تنوع و تکثر این جرایم در عرصه جامعه اشاره نمود. شیوع، منتشر شدن، پخش شدن و پراکنده شدن جرایم در سراسر جامعه از خصایص این پدیده بوده (کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۲۷) و با توجه به خصوصیت غیرمتمرکز ریزوم، هر شاخه از رفتار ریزومیک نیز مسیر خاص خود را طی می‌نماید و اگر در مسیر تحول خود، به یک بخشی از ریزوم برخورد نماید، پیوند آن دو یک شاخه منحصر به فرد و بدیع را تولید خواهد کرد. این لامکانی در مقابل نظریات بوم‌شناسی مکتب شیکاگو است که در آن، محلاتی که دارای نظم اجتماعی از هم گسیخته است، بزهکاری بیشتری دارند. (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۱: ۵۰) در نظریه اخیرالذکر، حاشیه شهرها به عنوان کانون‌های جرم‌خیز یاد شده و مناطقی را که بزهکاری در آن‌ها تمرکز یافته، به عنوان نقاط کانونی جرم معرفی شده است. (دارابی، ۱۳۹۵: ۲۰۲)

اما در جرایم ریزومیک، لامکانی و غیرمتمرکز بودن به عنوان یکی از خصوصیات این نوع از بزهکاری یاد می‌شود؛ این جرایم دیگر در قالب رفتارهای سنتی، واقع نخواهند شد و جدا از مصادیق جدید رفتاری که در معنای موسع مجرمانه خواهند بود، لیکن ممکن است با خلاء قانونی برای مجازات و کیفر مواجه شوند، شبکه‌ای بودن ارتکاب این جرائم به دشواری در شناسایی و مقابله با این جرائم افزوده و فرامکانی آن را دور از دسترس قرار خواهد داد و گسترش استفاده از فناوری و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای تغییر IP به این مشکل دامن زده است. در عرصه غیرمجازی و فضای شهری نیز، دیگر صحبت از کانون‌های جرم‌خیز که در مکتب شیکاگو از آن یاد می‌شد، جایگاهی ندارد و بنابراین راهکارهای پیشگیرانه در آن مکتب مانند الحاق حاشیه‌شهر به شهر و یا توجه به مبلمان شهری نیز کارکرد خود را از دست داده، و هر نقطه از شهر قابلیت و ظرفیت تبدیل به کانون‌های جرم را در خود جای داده است. دگرزایی ریزوم و امکان ایجاد شبکه بی‌پایان که منجر به اتصال نقاط مختلف ریزوم به یکدیگر می‌شود (Deleuze & Guattari, 1987: 12) و نکته قابل توجه این است که جرایم ناشی از این پراکندگی در جوامع پنهان خواهند شد و فضاهای به ظاهر سالم اعم از فضاهای تفریحی و مراکز خرید نیز به نحو نامرئی مکانی برای ارتکاب جرم خواهند شد. (کاظمی، ۱۳۸۸: ۳۲۷)

بر اساس مدل طراحی برخی نرم‌افزارهای شبکه اجتماعی مانند اینستاگرام و تیک‌تاک، پسند کردن (like) و نظردهی (Comment) بر پست‌های مجرمانه، علاوه بر اینکه مخاطب را در معرض محتوای مشابه قرار خواهد داد، باعث اشاعه همان محتوا برای سایر کاربران خواهد شد؛ بدون اینکه عملاً رفتار مجرمانه‌ای صورت گرفته باشد. بنابراین این تمرکزگریزی که حاصل رشد فناوری در عصر جدید است، منجر به رفتارهای مجرمانه‌ای خواهد شد که شاید بتوان یکی از فعال‌ترین مجرمین ناخواسته این عرصه را نسل زد و آلفا (جوانان و نوجوانان) دانست؛ و نتیجه نهایی این شاکله، پراکندگی جرم در سطح جامعه خواهد بود. ساختار اینترنت، مانند ریزوم همواره خود را گسترش می‌دهد و در پیوندهایی افقی و غیرسلسله‌مراتبی خود را می‌سازد.



۳. تاثیر رفتار ریزومیک در جرایم سایبری

دانش فنی بالا و خودمختاری در تصمیم از خصوصیات نسل زد و آلفا است که باعث شده این نسل اغلب اوقات خود را در بستر اینترنت سپری نموده و برخی از نیازمندی خود را نیز در همین بستر تامین نمایند؛ دسترسی زودهنگام به اینترنت بدون نظارت کافی، کمبود آگاهی از امنیت سایبری و اعتماد بیش از حد به فضای مجازی از خصوصیات بارز این نسل است که در مطالعات جرم‌شناسی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بنابراین پرواضح خواهد بود که جرایم این نسل نیز در بستر شبکه‌ای اینترنت و با بهره‌گیری از قابلیت اینترنت شکل بگیرد. بنابراین برخی از تعاریف و شرایط سستی جرم اعتبار خود را از دست خواهند داد. به عنوان مثال شاید بتوان صور خاصی از کلاهبرداری را در این بستر متصور شد که با وجود وقوع نتیجه، دیگر شرایطی مانند تقدم مانور متقابلانه بر بردن مال در آن شکل نگرفته باشد.

با گسترش فناوری‌های دیجیتال، نسل‌های زد و آلفا، بیش از هر نسل دیگری در معرض جرائم سایبری قرار دارند. این نسل‌ها از سنین پایین با اینترنت و فضای مجازی تعامل داشته‌اند، که آنها را به هدفی جذاب برای مجرمان سایبری تبدیل کرده است. جرم‌شناسی سایبری به بررسی جرائم دیجیتال، علل ارتکاب، روش‌های پیشگیری و مقابله با آنها می‌پردازد. مهم‌ترین جرایمی که در این نسل‌ها می‌توان انتظار وقوع آن را داشت می‌توان شامل کلاهبرداری اینترنتی (فیشینگ، اسکمینگ) با استفاده از صفحات جعلی برای سرقت اطلاعات شخصی، آزار و اذیت سایبری (سایبربولینگ) شامل تهدید، انتشار تصاویر خصوصی یا اخاذی آنلاین و نیز جرائم مرتبط با بازی‌های آنلاین مانند سرقت اکانت‌های بازی، کلاهبرداری در خریدهای درون‌برنامه‌ای دانست.

از آنجا که دولت‌ها فاقد اشرافیت و توانایی دولت‌ها در کنترل و صیانت از فضای مجازی می‌باشند، بین بهره‌برداری شهروندان از فضای مجازی و کنترل صیانتی، شکاف قابل توجهی شکل گرفته که موجب گسیل بزه‌کاران به این فضا گردیده تا از عدم نظارت کافی در راستای اهداف مجرمانه خود بهره‌برداری نمایند. (بهره‌مند و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۱)

ذکر این نکته ضروری است که نباید هر رفتار یا بزهکاری در فضای سایبری را به عنوان یک تحول رفتاری و گرایش ریزوموار تعریف کرد. چه بسا جرایم متعددی که اگرچه در بستر اینترنت در حال ارتکاب بوده، لیکن فاقد شاخصه‌های ریزوم می‌باشد. لذا در این تعریف، آنچه مدنظر قرار دارد، آن دسته از رفتارهایی است که علاوه بر ارتکاب در بستر مجازی، دارای ساختار پیچیده، شبکه‌ای و فاقد نظام‌مندی است. از سویی تولید فیلم‌های کوتاه خیابانی تحت عنوان دوربین مخفی، مصاحبه‌ها و چالش‌های اجتماعی که بدون نظارت و بعضاً با محتوای مغایر با هنجارهای اجتماعی شیوع پیدا کرده را می‌توان از نوع رفتارهای ناهنجار ریزومیک دانست.

۴. تاثیر جامعه ریزوم شده در تشکیل پدیده حیات مجرمانه

در جرم‌شناسی اصطلاحی به نام حیات یا حرفه مجرمانه^۱ و منظور از آن، فردی است که به طور متوالی مرتکب جرائم مختلفی شده است. از خصایصی که جرم‌شناسان برای این پدیده بر شمرده‌اند، کثرت و فراوانی جرم در طول حیات فرد و مدت ارتکاب جرم می‌باشد. (میلانی، ۱۳۸۸: ۳۳۹) شرکت در جرم نیز به عنوان یک معیار و رکن از تعریف حیات مجرمانه، شامل همه افرادی می‌شود که در یک جمعیت و دوره زمانی معین، لااقل یک بار مرتکب جرم شده باشند. منظور از کثرت و فراوانی، تعداد متوسط جرائم ارتکابی فرد در سال، و مقصود از مدت ارتکاب جرم، مدت زمان بین نخستین جرم و آخرین جرم ارتکابی توسط فرد است. (شاملو و موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳) بنابراین حیات مجرمانه بر اساس سه معیار اعلام شده به ما اجازه می‌دهد تا حیات یا حرفه مجرمانه را برآورد و اندازه‌گیری کنیم. (میلانی، ۱۳۸۸: ۳۲۸) یکی از نتایجی که می‌تواند از این وضعیت برآید، این است که کسانی که به صورت زودرس (نسبت به سن) وارد محیط مجرمانه شده و جرمی را مرتکب شوند، به مدت بیشتری در این زیست مجرمانه خواهند ماند.

مطالعات جرم‌شناسی بیانگر آن است که سن آغاز بزهکاری ۱۲ تا ۱۳ سالگی است که از این سنین، جرائم واقعی آغاز می‌شود و به همین دلیل است که اغلب کشورها، سن طفولیت را بین ۶ تا ۱۸ سال طبقه‌بندی کرده و هر چه فرد در سنی پایین‌تر از ۱۳ سال مرتکب جرم شود احتمال تکرار جرم در طول زمان توسط وی بیشتر خواهد بود.

در این رابطه توجه به جزئیات رفتار مجرمانه نیز حائز اهمیت است. بررسی‌ها البته بیانگر آن است که صرف نظر از نوع جرم ارتکابی، برخی ویژگی‌ها مانند خانواده از هم پاشیده و یا سابقه محکومیت اعضای خانواده و دوستان، در بین مجرمین مشترک بوده است. (کاتر، ۲۰۱۲، ترجمه مهذب، ۱۳۹۸: ۳۷)

بنابراین، بر اساس مطالعات جرم‌شناسی صورت گرفته و انطباق آن با تعاریف نسل‌های Z و آلفا، می‌توان نتیجه گرفت که این نسل‌ها به واسطه گروه همسالان و استفاده گسترده از بستر اینترنت، مستعد تشکیل یک جامعه ریزومیک شده بوده و تاثیر نهایی آن این خواهد بود که یک جامعه با خصوصیات حیات مجرمانه شکل گرفته و در نهایت چه بسا به تغییر تعریف جرم نیز منجر شود. بدین معنی که رفتارهای که در عرف جامعه به عنوان بزهکاری و ناهنجاری شناخته شده، در تعریف این گروه و جامعه با حیات مجرمانه رنگ‌باخته و با اتصال‌های چندگانه و نظارت‌گریز در نهایت به تضعیف جایگاه قانون و نظم عمومی منجر شود.

۵. کاربست رفتارهای ریزومیک در ارتکاب جرایم علیه امنیت و حقوق بشر

همانگونه که گفته شد مهم‌ترین شاخصه رفتارهای ریزومیک، ساختارهای غیر سلسله‌مندی آن است که به جای تبعیت از الگوهای خطی و سلسله‌مراتبی، به شبکه‌ای از ارتباطات افقی، پراکنده و چندجهته متکی هستند. این الگوهای رفتاری در بستر جرایم حقوق بشری، نقش بسزایی ایفا می‌کنند. برخلاف نظام‌های متمرکز که مسئولیت‌ها به وضوح قابل ردیابی هستند، رفتارهای ریزومیک با پراکندگی قدرت و ابهام در مسئولیت‌پذیری، امکان شناسایی و پیگرد عاملان نقض حقوق بشر را دشوار می‌سازند.



ساختار این رفتارهای جرم‌زا به گونه‌ای است که چنین سازوکارهایی نه تنها به تداوم خشونت سیستماتیک کمک می‌کنند، بلکه بازتولید آن را نیز تسهیل می‌نمایند. این مفهوم برای درک پدیده‌های اجتماعی پیچیده، از جمله جرایم حقوق بشری، باید مورد توجه قرار گیرد. رفتارهای ریزومیک در بستر نقض حقوق بشر، سازوکارهایی را توصیف می‌کنند که در آنها خشونت نه از طریق دستورات صریح و سلسله‌مراتب روشن، بلکه از طریق شبکه‌های پراکنده، روابط غیررسمی و گفت‌وگوهای غیرمتمرکز اعمال می‌شود. اگر جرایم علیه امنیت و حقوق بشر در گذشته ناشی از یک اتاق فکر و دارای سازمان رهبری بود، در تحول ریزومیک جرایم، همان کارکرد و نتیجه مدنظر توسط نیروهای رزم بدون سازماندهی مرکزی حاصل می‌شود.

۵.۱ مصادیق تاریخی و معاصر

در بررسی جرایم حقوق بشری، از کشتارهای جمعی تا اغتشاشات و اعتراضات سیاسی، میتوان ردپای رفتارهای ریزومیک را مشاهده کرد. به عنوان مثال، در برخی از آشوب‌ها و قیام‌ها علیه حکومت‌ها، سرکوب شهروندان اغلب نه از طریق فرمان‌های مستقیم، بلکه با ایجاد شبکه‌ای از ترس، همکاری اجباری نهادهای محلی و گفت‌وگوهای ایدئولوژیک پراکنده اعمال می‌شود. این امر باعث می‌گردد که حتی بدون وجود یک فرماندهی متمرکز، خشونت به صورت خودجوش و چندلایه اجرا شود. مطالعات موردی روی جنایات جنگی در یوگوسلاوی سابق و نسل‌کشی رواندا (۱۹۹۴) نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های غیررسمی، شبه‌نظامیان محلی و حتی شهروندان عادی، در غیاب دستورالعمل‌های صریح، در ارتکاب خشونت مشارکت داشته‌اند. این امر ناشی از گفت‌وگوهای نژادپرستانه‌ای بود که طی سال‌ها در رسانه‌ها، مدارس و گفتگوهای روزمره بازتولید شده بود. در چنین شرایطی، حتی اگر رهبران سیاسی مستقیماً دستور قتل عام صادر نکرده باشند، ایجاد فضایی که خشونت را عادی‌سازی میکند، نوعی مسئولیت ریزومیک ایجاد مینماید که در آن هیچ فرد یا نهاد واحدی به تنهایی مسئول شناخته نمیشود. این پراکندگی عاملان، پیگرد قانونی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است و دیگر مقام‌نظم‌دهنده، تعقیب‌کننده و رسیدگی‌کننده در شناسایی رهبر، عامل، برنامه‌ریز و مجری آشوب نمی‌تواند با شفافیت اقدام نماید. بنابراین یکی از کلیدی‌ترین ویژگی‌های رفتارهای ریزومیک در جرایم حقوق بشری، پراکندگی مسئولیت است. در خشونت ریزومیک، عاملان نقض حقوق بشر ممکن است بدون ارتباط سازمانی مستقیم، در یک سیستم به هم پیوسته عمل می‌کنند. این پراکندگی، پیگرد قانونی را دشوار می‌سازد، زیرا نمیتوان مسئولیت را به طور مستقیم به نهاد یا فرد خاصی نسبت داد. به عبارت دیگر، ریزوم بودن خشونت، آن را انعطاف‌پذیر، مقاوم در برابر مداخلات خارجی و قابل استمرار می‌سازد.

از منظر جامعه‌شناختی، می‌توان گفت که رفتارهای ریزومیک صرفاً محدود به نهادهای حکومتی نیستند، بلکه در لایه‌های زیرین جامعه نیز نفوذ می‌کنند. به عنوان نمونه، در موارد آزارتاید یا تبعیض نژادی، گفت‌وگوهای تحقیرآمیز میتوانند بدون نیاز به قانونی رسمی، از طریق رسانه‌ها، آموزش‌های غیررسمی و حتی شوخی‌های روزمره بازتولید شوند. این فرایندها، نشان می‌دهند که چگونه خشونت ساختاری میتواند در قالب رفتارهای به‌ظاهر پیش‌پاافتاده تثبیت شود. در چنین شرایطی، مقابله با جرایم حقوق بشری نیازمند نگاهی فراتر از پیگرد فردی مجرمان و درک سازوکارهای فرهنگی و گفت‌وگویی پشیمان‌انهاست.

باینحال، می‌توان به ظرفیت‌های مقاومت ریزومیک در برابر جرایم حقوق بشری نیز پرداخت. همانطور که خشونت می‌تواند ساختاری غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر داشته باشد، مقاومت مدنی نیز گاهی در قالب جنبش‌های بدون رهبری واحد، اقدامات جمعی خودجوش و شبکه‌های افقی ظاهر میشود.

نمونه‌های تاریخی دیگر مانند جنبش‌های صورت گرفته در کشورهای عربی (۲۰۱۰-۲۰۱۲) یا جنبش حمایت از سیاه‌پوستان^۱ نشان می‌دهند که چگونه کنشگران حقوق بشر می‌توانند از ویژگی‌های ریزومیک برای مقابله با حاکمیت‌ها بهره ببرند. نقش شبکه‌های اجتماعی در سازماندهی غیرمتمرکز اعتراضات بی‌بدیل است و استدلال شده که این شیوه از مقاومت، در برابر سرکوب متمرکز حکومت‌ها مقاوم‌تر است. ر سانه‌های دیجیتال به کنشگران اجازه می‌دهند تا بدون ساختار سلسله‌مراتبی، هماهنگی‌های گسترده ایجاد کنند، که این امر مقابله با آنها را برای نیروهای سرکوبگر یا نظم‌دهنده دشوار می‌سازد.

رفتارهای ریزومیک تنها محدود به اقدامات فیزیکی نیستند، بلکه شامل گفت‌وگوها و سازوکارهای ایدئولوژیکی نیز میشوند که خشونت را توجیه یا عادی سازی میکنند. در بسیاری از نظام‌های سرکوبگر، خشونت از طریق مکانیسم‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای نهادینه میشود. برای مثال، در رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، تبعیض نژادی نه فقط از طریق قوانین رسمی، بلکه از طریق ادبیات، برنامه‌های درسی و حتی زبان روزمره تقویت میشد. این نوع از خشونت گفتمانی، ماهیتی ریزومیک دارد، زیرا از یک مرکز واحد منتشر نمیشود، بلکه در لایه‌های مختلف جامعه ریشه دوانده و بازتولید میگردد.

در مجموع، تأثیر رفتارهای ریزومیک بر جرایم حقوق بشری را میتوان در دو بعد تحلیل کرد: از یکسو، این رفتارها با پنهان کردن حلقه‌های اتصال و پراکندن مسئولیت، به تداوم خشونت سیستماتیک کمک میکنند و از سوی دیگر، همان ویژگی‌های غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر میتوانند الهام‌بخش شیوه‌های نوین مقاومت باشند.

در بررسی و مطالعات حقوقی و جرایم علیه امنیت، شاید بتوان برجسته‌ترین مصداق رفتار مجرمانه ریزومیک را در اعتراضات ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ هنگ‌کنگ در اعتراض به لایحه استرداد مظنونان و متهمان به چین مشاهده کرد. این اعتراضات به گونه‌ای شکل گرفت که هیچ گروه یا فردی مدعی رهبری آن نبوده و به صورت غیرمتمرکز شکل گرفت. این عدم متمرکز بودن رهبری منجر به روان شدن بیشتر شده بود، اما همچنین باعث شده بود که مقامات نتوانند نمایندگان را برای مذاکره پیدا کنند یا فرد خاصی را تحت پیگرد قانونی قرار دهند. (Griffiths, 2019)

در مدل اعتراضات هنگ‌کنگ جابجایی سریع، موجب سردرگمی نیروهای امنیتی در کنترل آشوب گردید و دلیل این جابجایی سریع، این بود که هر شاخه از اعتراضات به سرعت به شاخه‌های دیگر متصل می‌گردید و به انشعابی جدید از مدل اعتراضی تبدیل می‌شد. این پراکندگی جغرافیایی، به لامکانی تبدیل شده بود و نیروی تامین‌کننده امنیت، قدرت پردازش برای شناسایی مرکز اعتراضات را از دست داده بود. شعار معروف «جدا نشو» و «مثل آب باش» در این اعتراضات باعث شده بود تا هر فرد با اقدامات خود در تنوع تاکتیکی اعتراضات کمک کرده باشد؛ به طوری که بدون برنامه‌ریزی‌های قبلی، معترضین در طول تظاهرات نقش‌های

^۱- Black Lives Matter



مختلفی را بر عهده بگیرند. معترضان مسالمت‌آمیزی که شعار بدهند، تدارکات را توزیع می‌کنند و به عنوان پزشک داوطلب می‌شوند، در حالی که دیگران در صف اول اعتراضات گاز اشک‌آور را از بین می‌برند، برخی از اشاره‌گرهای لیزری برای منحرف کردن پلیس، پاشیدن رنگ بر روی دوربین‌های مداربسته و چترهای باز شده برای محافظت و پنهان کردن هویت گروه معترض و جلوگیری از تشخیص چهره استفاده می‌کردند.

از اقدامات ریزومیک دیگر در جنبش‌های هنگ‌کنگ، استفاده گسترده و بدون رهبر از ابزارهای اینترنت برای بایکوت کردن رسانه‌های وابسته به دولت و به نوعی نافرمانی‌های مدنی بود. اعتصاب کارکنان دولتی، ایجاد ترافیک‌های شهری، فشردن دکمه‌های توقف اضطراری در ایستگاه‌های قطار، ایجاد زنجیره‌های انسانی، شعاردهی شبانه در محلات شهری، کارزارهای شکایت از دستگاه‌ها و افراد دولتی از اقداماتی بود که بدون رهبر و برنامه‌ریزی قبلی، به صورت سیال و فراگیر رخ داد. این فراگیری ریزوموار تا جایی بود که پای اعتراضات به عرصه هنر نیز گشوده شد و تابلوها، نمادها و موسیقی‌های متعددی همسو با اعتراضات مردمی طراحی و به عنوان سمبل اعتراضی معرفی گردید.

استفاده از اینترنت و فعالیت‌های آنلاین مهمترین ویژگی این اعتراضات برشمرده شد. تا جایی که سمبل‌های اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی طراحی شد و مردم برای ارتباط پنهان با یکدیگر به شبکه‌های رمزنگاری شده روی آوردند. اطلاعات تعداد زیادی از افسران نظامی در فضای مجازی منتشر گردید و افراد مختلفی از سوی پلیس به اتهام مدیریت گروه‌های چت بازداشت شدند. بعد از اینکه چشم راست یکی از معترضین با گلوله مشقی مورد هدف قرار گرفت، معترضین با ایجاد کمپین‌هایی در بستر اینترنت، مردم جهان را دعوت کردند تا عکس خود را در حالی که چشم راست خود را پوشانده‌اند، در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند تا حمایتشان را از جنبش نشان دهند.

فراخوان برای همبستگی سایر ملل با اعتراضات هنگ‌کنگ نیز به عنوان رفتار فرار از سلسله‌مراتب از دیگر شاخصه‌های اعتراضات ریزوموار برشمرده شد. در این اقدام معترضین اقدام به ارسال گسترده ایمیل و نامه به نهادهای بین‌المللی و سایر ملل نمودند که موجب شد تا این اعتراضات به صفحه اول بسیاری از روزنامه‌های جهان منتقل شود.

۵,۲ نمونه داخلی جرایم ریزومیک علیه حقوق بشر و امنیت داخلی

در اکتشافات ۱۴۰۱ ایران بسیاری از اقداماتی که بیان شد به عنوان رفتار اعتراضی مردم شکل گرفت و آنچه آشکار شد، ریزومیک شدن رفتارهای نابهنجار و لزوم تحول قوانین ملی کیفری برای مقابله با این جرایم بود. لذا ناهنجاری‌های ریزومیک دارای دو خصیصه می‌باشند که نیازمند تدوین قوانین متناسب با شرایط روز می‌باشد. وابستگی به بستر اینترنت که علاوه بر نامکانی، در شناسایی در هویت نیز اخلاص ایجاد خواهد نمود و دومین خصیصه، استفاده گسترده از نافرمانی‌های مدنی بدون نقض قوانین می‌باشد؛ به طوری که با وجود برهم زدن نظم عمومی، از آنجا که نقض قوانین و مقررات نگردیده، برخورد متناسب با آن را با مشکل مواجه خواهد ساخت. (مانند ایجاد ترافیک ساختگی، راهپیمایی سکوت، انتشار تصاویر هدفمند در اینترنت و...)

لذا در این شرایط ممکن است اجرای مجازات مدنظر قانونگذار در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مبنی بر سردستگی گروه مجرمانه در ایجاد نظم و عدالت که هدف غایی قانونگذار است، مفید فایده قرار نگرفته و مقصود قانونگذار در تامین امنیت شهروندان تامین نگردد. از سوی دیگر علاوه بر اینکه لامکانی موجب خواهد شد تا شناسایی مکان وقوع و ارتکاب جرم به منظور شناسایی دادگاه صالح، در دایره شمول قوانین به ویژه در جرایم گسترده در کشورهای مختلف نیز تاثیر منفی خواهد گذاشت و چه بسا منجر به عدم تعقیب کیفری متهمین گردد.

یکی دیگر از نمونه‌های رفتارهای ریزومیک در ایران که بیانگر تحول در سبک زندگی و شکستن چارچوب‌ها می‌باشد، موضوع انتشار تصاویر دخترانی بی‌حجاب در مرا سمات محرم ۱۴۰۴ می‌باشد که منجر به خلق یک اصطلاح و تهیه کلیپ‌هایی با عنوان «اسکولوقطبی» گردید و در آن افرادی به جامعه معرفی شدند که فارغ از تفاوت‌های دینی، فرهنگی و پوششی، به صلاح‌دید شخصی خود به مناسک مذاهب مختلف عمل می‌نمایند؛ در این مسیر پرواضح است که شاهد بروز رفتار مجرمانه ناشی از توهین به مقدسات یک آیین خواهیم بود که چه در قوانین داخلی و چه در اسناد بین‌المللی امری مذموم و ناپسند است. اما رفتارگران ریزوم با عبور از تابوهای اعتقادی و فرهنگی و اتصال بخش‌های مختلف فرهنگ‌های و آیین‌های مختلف، گویی یک جامعه جدید را برای خود خلق کرده و خود را ملزم به رعایت قوانین آن جامعه می‌دانند.

مخلص کلام اینکه، اهمیت ویژه جرایم علیه امنیت از یک سو و پیچیدگی جرایم این حوزه از سوی دیگر باعث برجسته‌سازی و اهمیت پرداختن به این جرایم گردیده و بی‌شک یکی از عرصه‌های مهم پیش‌رو در مقابله با جرایم علیه امنیت، پرداختن به حوزه جرایم ریزومیک در جوامع خواهد بود. جرایمی که به دلیل شرایط سنی مرتکبین (اطفال و نوجوانان)، اقدامات مجازات‌گرانه را ناممکن کرده و لایه‌های پنهان آن همراه با تنوع عرصه اقدام علیه امنیت (از هنر تا اقتصاد) برخورد با آن را بسیار پیچیده خواهد نمود. خاصیت عدم وابستگی این جرایم به مکان مشخص نیز، گرچه پرداختن متحدانه دولت‌ها به این رفتارها را ضروری می‌نماید، لیکن به دلایل مختلفی همچون تعاریف متناقض و تعارض منافع در امنیت، با ایجاد چنین زمینه‌ای مغایر بوده و تحقق آن را محال خواهد نمود. فقدان رهبری برای اقدامات ضدامنیتی، مقابله قانونی با سرمنشاء را مشکل خواهد کرد و گستردگی بهره از بستر اینترنت و شبکه جهانی در سامانه‌های مختلف، موجب کاهش نظارت و اشراف بر رفتارهای خرابکارانه خواهد شد.

این وضعیت به ندرت و بر اثر رخنه در لایه‌های جامعه قبح قانون‌شکنی را از بین برده و تعریف از جرم را متغیر خواهد ساخت به طوری که پس از گذشت چندسال می‌توان انتظار داشت که مهمترین قوانین به راحتی نقض گردیده و حیات مجرمانه در یک جامعه را رقم خواهد زد.

نتیجه‌گیری و راهکارهای پیشنهادی

گسترش ابزارهای متنوع ارتباطی در عصر حاضر، ظهور جرایمی را رقم زده که از نظر نوع شکل‌گیری و وقوع بدیع بوده و میتوان با الهام از نظریه ریزوم دلوژ و گاتاری، از آن به جرایم ریزومیک تعبیر نمود. این جرایم با ویژگی‌هایی مانند لامکانی،



انعطاف‌پذیری در شیوه ارتکاب، مقاومت در برابر کنترل و اتصال چندگانه، چالش‌هایی را برای نظام‌های حقوقی و امنیتی ایجاد کرده‌اند. این نوع جرایم به‌ویژه در تعامل با نسل‌های Z و آلفا، که در محیط دیجیتال رشد یافته‌اند، نمود بیشتری یافته، چراکه این نسل‌ها با سواد فناوری بالا و توانایی استفاده از ابزارهای غیرمتمرکز، هم می‌توانند به عنوان عاملان و هم به عنوان قربانیان این جرایم عمل کنند. جرایمی مانند کلاهبرداری‌های رمزآزنی، آزار و اذیت سایبری، و جرایم مالی در متاورس، نمونه‌هایی از این چالش‌ها هستند.

برای مقابله با جرایم ریزومیک، نظام‌های حقوقی و امنیتی نیازمند تحول و بازنگری اساسی هستند. به طوری که می‌توان گفت دیگر رویکردهای سیاست جنایی سزاگرا در مسیر این کنترل‌ها پاسخگو نبوده و لازمه تنوع و تغییر رویکردی را می‌طلبد. لذا از آنجا که این جرایم را نمی‌توان محدود به مکان دانست، ضروری‌ترین اقدام، توسعه قوانین بین‌المللی برای جرایم سایبری و غیرمتمرکز ضروری است، زیرا ماهیت این جرایم مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است. همکاری بین کشورهای و سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به ایجاد چارچوب‌های حقوقی مؤثر منجر شود. دوم، آموزش سواد حقوقی دیجیتال به نسل‌های Z و آلفا باید در دستور کار قرار گیرد. این آموزش‌ها می‌توانند شامل آشنایی با خطرات فضای مجازی، روش‌های محافظت از داده‌ها، و مسئولیت‌پذیری در استفاده از فناوری‌های نوین باشند.

همچنین استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای ردیابی الگوهای ریزومیک جرایم می‌تواند به شناسایی و مقابله با این جرایم کمک کند. این فناوری‌ها قادرند رفتارهای غیرعادی و شبکه‌های مجرمانه را در فضای مجازی تشخیص دهند.

پنجم، بازنگری در سیاست‌های کیفری و پیشگیرانه برای انطباق با ویژگی‌های جرایم ریزومیک لازم است. رویکردهای سنتی مانند تمرکز بر مکان‌های جرم‌خیز دیگر کارایی ندارند و باید به سمت روش‌های پویا و انعطاف‌پذیر حرکت کرد. لذا تغییر رویکرد سیاست جنایی به سمت پیشگیری‌های وضعی و از سیاست دولتی اقتدارگرا و امنیت‌مدار به جامعه‌ی برای ایجاد یک راهکار فراگیر به منظور مقابله فرهنگی و الگومدار در جامعه ضروری است. در این رویکرد بجای استفاده از قوانین سخت کیفرمدارانه، ریشه‌های تکثر و تغییر فرهنگی باید شناسایی و مورد آموزش و معرفی قرار گرفته و با سبک نرم به مقابله با تغییر سبک زیست انسان در جامعه پرداخته شود تا از انتشار و پیوستن بزهکاری پیشگیری به عمل آید.

در جهانی که فناوری به سرعت در حال پیشرفت است، درک تعامل بین نسل‌های جدید، ساختارهای ریزومیک، و نظام‌های حقوقی امری حیاتی است. تنها با اتخاذ راهکارهای جامع و هماهنگ می‌توان امنیت و عدالت را در فضای دیجیتال تضمین کرد و از قربانی شدن افراد و جامعه در برابر جرایم نوظهور جلوگیری نمود.

در نهایت، باید توجه داشت که مقابله با جرایم ریزومیک نیازمند همکاری همه‌جانبه بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. این چالش‌ها را نمی‌توان با روش‌های سنتی حل کرد، بلکه نیازمند خلاقیت، نوآوری و



انعطاف‌پذیری در رویکردها هستیم. تنها با اتخاذ راهبردهای جامع و پیشگیرانه می‌توانیم امنیت و عدالت را در فضای دیجیتال آینده تضمین کنیم.

این تحولات باید با حفظ تعادل بین امنیت و حریم خصوصی، آزادی‌های مدنی و حقوق دیجیتال شهروندان همراه باشد. آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری جرایم سایبری باید به بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌ریزی‌های کلان کشورها تبدیل شود تا بتوانیم در برابر چالش‌های پیچیده عصر دیجیتال آمادگی لازم را داشته باشیم.

بر اساس آنچه بیان شد، به عنوان پیشنهاد پژوهش‌های آتی می‌توان موضوع ادله اثبات جرایم در مواجهه با جرایم ریزومیک علی‌الخصوص تکیه بر تحول فقه پویا و تاثیرپذیری قوانین آیین دادرسی کیفری به ویژه در رابطه با اصولی مانند «محل وقوع جرم» را مدنظر قرار داد که در پیوند خصائص این نوع جرائم با فناوری‌های نوین، می‌تواند مفاهیم سنتی حقوقی را متغیر سازد.



منابع

۱. بهره‌مند، حمید، کوره‌پز، حمید و احسان سلیمی (۱۳۹۳)، راهبردهای وضعی پیشگیری از جرم سایبری، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۷.
۲. دارابی، شهرداد (۱۳۹۵)، ریزومیک شدن پیشگیری از جرم در پرتو ریزوماتیک شدن ارتکاب جرم، آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۲، پاییز - زمستان.
۳. سجادی، سید مهدی، محسن فرمهینی فراهانی، حمید احمدی هدایت، و نجمه احمد آبادی آرانی. ۱۳۹۷. تبیین
۴. سجادی، سید مهدی، و زهره باقری‌نژاد (۱۳۹۰)، رویکرد ریزوماتیک به معرفت و نقد چالش‌های آن برای تربیت اسلامی از منظر ملاحظات معرفت‌شناختی رئالیسم انتقادی. مجله تربیت اسلامی ۱۳ (۶).
۵. شاملو، باقر و موسی‌زاده، مهدی (۱۳۸۹)، پیشگیری از تکرار جرم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۷.
۶. صالحی، حسن و اکبری، احسان (۱۳۹۸)، ارائه الگوهای معماری برای طراحی ساختمان‌های پنهان در مقابل تهدیدات نظامی به روش استتار درون ساخته، نشریه علمی پدافند غیرعامل، سال دهم، شماره ۲.
۷. کاظمی، عباس (۱۳۸۸)، ریزومیک شدن جرایم و دگردیسی در مفهوم امنیت شهری، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، البرز.
۸. کاتر، دیوید (۲۰۱۲)، روان‌شناسی جنایی (ترجمه مریم مهدب)، انتشارات آوند دانش، ۱۳۹۸، چاپ دوم.
۹. موحدیان، قاسم، شعبانی احمد، چشمه‌سهرابی، مظفر و عاطفه عاصمی (۱۳۹۸)، تبیین رویکرد ریزوماتیک در نظام‌های سازماندهی دانش و اطلاعات با تاکید بر فضای وب، پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۳۵، شماره ۳.
۱۰. میلانی، علیرضا (۱۳۸۸)، بررسی کیفیات موثر بر میزان مجازات‌ها و لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم، شماره ۱.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۹۱)، دانش‌نامه جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش.

- ۱) Brai dot ti , R (۲۰۱۹). Post human knowl edge. Pol i ty Press.
- ۲) Buchanan, I. (۲۰۲۱). Del euze and Guattari's "A Thousand Pl ateaus": A reader's gui de. B loonsbury.
- ۳) Col ebrook, C. (۲۰۰۲). Underst andi ng Del euze. Al l en & Unw i n.
- ۴) Del euze, G., & Guattari , F. (۱۹۸۷). A thousand pl at eaus: Capi tal i sm and schi zophreni a (B. M assuni , Trans.). Uni versi ty of M nnesota Press. (Ori gi nal work publ i shed ۱۹۸۰)
- ۵) Genosko, G. (۲۰۰۹). Fél i x Guattari : Acriti cal i ntroducti on. Pl ut o Press.
- ۶) Griffi ths, J anes (۲۲ July ۲۰۱۹). "Hong Kong' s democracy movenent was about hope. These prot est s are dri ven by desperati on". CNN. Ret ri eved ۲۳ Jul y ۲۰۱۹.



Human Rights and Security Challenges in Addressing Rhizomatic Crimes

Abstract

Technological advancements in the digital age have given rise to rhizomatic crimes, inspired by Deleuze and Guattari's rhizome theory. These crimes, characterized by decentralization, flexibility, resistance to control, and multiple connections, pose unprecedented challenges to legal and security systems. Generations Z and Alpha, due to their high technological literacy and use of decentralized tools, play a key role in either perpetrating or falling victim to such crimes. Examples include cryptocurrency fraud, cyber harassment, and financial crimes in the metaverse. However, the most pressing crimes currently threatening domestic security and even global order are those against internal security and human rights. This qualitative study, employing the rhizome theory framework, examines the mechanisms of rhizomatic crimes and the role of younger generations. Findings reveal that existing legal systems, designed for traditional crimes, are ineffective against decentralized offenses. Proposed solutions include developing international laws, promoting digital legal literacy, leveraging AI to track criminal patterns, and enhancing cross-sectoral collaboration. Additionally, revising criminal and preventive policies to align with the nature of rhizomatic crimes is essential. By offering practical strategies, this research enriches cyber criminology literature and rhizome theory while paving the way for effective policymaking in controlling decentralized crimes. Understanding the interplay between younger generations, rhizomatic structures, and legal systems is crucial for ensuring security and justice in the digital space.

Keywords:

Rhizomatic Crimes, Generation Z and Alpha, Rhizome Theory, Cybersecurity, Digital Rights, Human Rights